

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۰۵ اکتوبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



ترجمه و تفسیر سورة النساء- (۴)

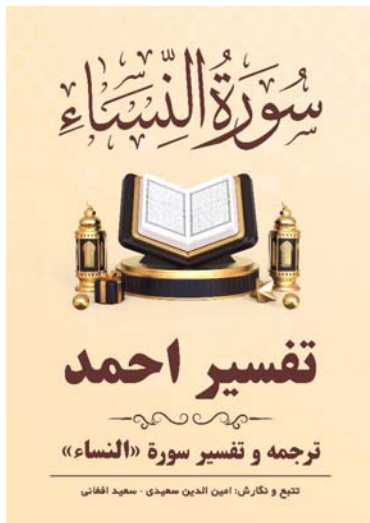
جزء ۴، ۵، ۶

سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۴)

یتیمان را (پیش از بلوغ با در اختیار قراردادن مقداری از مال و نظارت بر نحوه معامله و کارائی ایشان در میدان زندگی، پیوسته) بیازمائید تا آن گاه که به سن ازدواج می‌رسند. اگر از آنان صلاحیت و حسن تصرف



دیدید، اموالشان را بدیشان برگردانید، و اموال یتیمان را با اسراف و تبذیر و با عجله و شتاب نخورید (و به خود بگوئید که) پیش از آن که بزرگ شوند (و اموال را از دست ما بازپس بگیرند آن را هرگونه که بخواهیم خرج می‌کنیم! و از سرپرستان آنان) هرکس که ثروتمند است (از دریافت اجرت سرپرستی و دست‌زدن به مال ایشان) خودداری کند، و هرکس که نیازمند باشد به طرز شایسته (و به اندازه حق الزحمه خود و نیاز عرفی، از آن) بخورد.

و هنگامی که اموالشان را به خودشان (بعد از بلوغ) بازپس دادید، بر آنان شاهد بگیرید و اگرچه علاوه از گواهان، خدا گواه است و کافی است خدا حسابرس و مراقب باشد. (۶).

تشریح لغات واصطلاحات:

«ابتلوا»: آزمایش کنید، بیازمائید، امتحان نمائید. «النکاح»: سن بلوغ، اهلیت ازدواج، سن زناشویی. «آنستم رشد»: رشد فکری، شایستگی و دخل و تصرف در آن مشاهده کردید، درک نمودند. «اسرافاً» (اسراف): زیاده روی و تجاوز از حد اعتدال راسراف گویند. «بذاراً»: شتابگرانه، عجولانه [پیشی گرفتن، مبادرت و جلو افتادن]. «فلیستعفف» (عف): باید خودداری ورزد، باید آلوده خیانت نشود. «بالمعروف»: به طور پسندیده، مطابق عرف محل، به اندازه زحمت خود. «حسیباً»: مراقب، مواظب، حسابرس، مراقب.

شان نزول آیت مبارکه:

در شان نزول آیت مبارکه آمده است: که آیت درباره ثابت فرزند رفاعه و کاکایش نازل شد، زیرا رفاعه در حالی در گذشت که فرزندش ثابت خرد سال بود، سپس کاکایش به محضر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد: پسر برادرم یتیم است و درخانهام تحت تکفلم بهسر می برد، بفرمائید که چه چیز از مالش برایم حلال است و چه وقت مالش را به وی باز دهم؟ در این هنگام بود که خداوند متعال آیت مبارکه «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ الْخ» را نازل فرمود.

تفسیر:

«وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ»: در این آیت مبارکه دستور دیگری در باره یتیمان و سرنوشت اموال آنها داده می فرماید: «یتیمان را بیازمائید تا هنگامی که به سن بلوغ و ازدواج بلوغ برسند» سن احتلام که در آن صلاحیت ازدواج را پیدا می کنند.

«و ابتلوا الیتامی» یعنی: پیش از آن که به بلوغ برسند، عقل آنان را بیازمائید و احوال و شیوه تصرف آنان و میزان شناخت آنان در این کار را مورد آزمایش قرار دهید، اگر معلوم داشتید که به رشد رسیده اند (راه خود را باز یافته اند، به محض آن که به سن بلوغ برسند، اموالشان را به آنان برگردانید و منظور از بلوغ در این جا بلوغ ازدواج است و این امر با احتلام حاصل می شود، زیرا وقتی شخص به سن احتلام رسید، اهلیت ازدواج را خواهد داشت و می داند که ازدواج به چه هدفی انجام می پذیرد که همان توالد و تناسل است. (تفسیر کشاف) ترتیب دادن این آزمایش در نزد امام ابوحنیفه و امام شافعی (رحمه الله علیهما)، قبل از بلوغ و در نزد امام مالک (رح) بعد از بلوغ است.

سن بلوغ نزد امام شافعی و احمد ابن حنبل پانزده سالگی و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه (رح): هفده سالگی است. از علامات بلوغ در مرد: فرود آمدن آب منی و رونیدن موی ظهار و در زن: باردارشدن وی و دیدن عادت ماهانه (حیض) است.

«فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» و اگر در این موقع در آنها رشد (کافی) برای اداره اموال خود یافتید، بدون تأخیر اموالشان را به آنان تحویل و بازگردانید.

رُشد: در نزد امام شافعی عبارت است از: صلاح در دین و حسن تصرف در مال. اما در نزد جمهور فقهاء رُشد، فقط اهلیت تصرف در مال است. امام ابوحنیفه (رح) بر آن است که هرگاه یتیم به سن بیست و پنج سالگی رسید، مالش به هرحال به وی باز گردانده می‌شود، هرچند در او رشد و فهمی هم سراغ نشد. اما مذهب جمهور بر این است که: تا وقتی رشد و اهلیت یتیم ثابت نشود، مال وی به وی داده نمی‌شود؛ در هر سنی که باشد.

«وَلَا تَأْكُلُوها إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا»: سپس بار دیگر به سرپرستان تاکید می‌کند، می‌فرماید: و پیش از آن که بزرگ شوند اموالشان را از روی اسراف نخورید، و بهانه نیاورید و بگویند: قبل از این که بزرگ شوند و مال را از ما بگیرند، ما به میل خود آن را خرج می‌کنیم.

«وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ»: و دیگر این که: جماعت سرپرستان ایتم اگر متمکن و ثروتمندند نباید به هیچ عنوانی از اموال ایتم استفاده کنند.

«وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ»: و اگر فقیر و نادار باشند تنها می‌توانند (در برابر زحماتی که به خاطر حفظ اموال یتیم متحمل می‌شوند) با رعایت عدالت و انصاف، حق الزحمه خود را از اموال آنها بردارند).

«فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ»: سپس به آخرین حکم در باره اولیای ایتم اشاره کرده، می‌فرماید: «هنگامی که می‌خواهید اموال آنها را به دست آنها بسپارید، یعنی بعد از این که یتیمان بزرگ شدند و به سن بلوغ رسیدند، بر آنان شاهد و گواه بگیرید» که مبادا بعداً انکار کنند و هیچ دلیل و ذرایع برای اتهام و نزاع و گفت و گو باقی نماند. شاهد و گواه گرفتن در نزد مالکی‌ها و شافعی‌ها، واجب و در نزد احناف، مستحب است. «وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (٦)»: در پایان آیت می‌فرماید: اما بدانید که حساب‌کننده واقعی خداست و مهمتر از هر چیز این است که حساب شما نزد او روشن باشد، اوست که اگر خیانتی از شما سرزند و بر گواهان مخفی بماند به حساب آن رسیدگی خواهد کرد. «و کفی بالله حسیباً». و الله تعالی برای محاسبه کافی است.

خوانندگان محترم!

الله متعال بعد از این که حرمت قطعی خوردن اموال یتیم و بازپس دادنش به آنان را، زمانی که به سن رشد فکری می‌رسند؛ به بیان گرفت، اینک در آیات متبرکه (٧ الی ١٠)، بحث درباره حقوقی ورثه در ترکه، حقوقی محتاجان و نیازمندان، یتیمان و نزدیکان غیر وارث را به بیان می‌گیرد.

در این آیات متبرکه به تمام وضاحت بیان می‌دارد که: ماترک مُرده (میت - متوفی)، به دختر و پسر کوچک و بزرگ و به زنان می‌رسد و آن رسم و قانون جاهلی مردود و بی اثر است و نباید هیچ یک از آنها از حق خدا دادی خویش محروم شوند. میان مرد و زن، کوچک و بزرگ هیچ فرقی در مال ورثه وجود ندارد. ماترک چه کم باشد چه زیاد - سهم همه ورثه محفوظ است.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (٧)

مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذارند، سهمی دارند. و زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذارند، سهمی دارند- از آنچه از آن [مال، خواه] اندک یا بسیار باشد- که [به عنوان] سهمی معین [و مقرر] شده است. (٧)

تشریح لغات واصطلاحات:

«لِّلرِّجَالِ»: جمع رجل، برای مردان، منظور از آن فرزندان و نزدیکان است.

«نَصِيبٌ»: سهم، بهره، مَفْرُوضًا: قطعی، واجب، مشخص،

شان نزول آیت ۷ :

ابو شیخ و ابن حبان در کتاب فرایض از ابن عباس (رض) نقل می کنند که در دوران جاهلی به دختران، کودکان و زنان ارث نمی دادند و می گفتند: چگونه به کسی اموال بدهیم که بر اسب سوار نمی شود، سلاح بر نمی گیرد و با دشمن نمی جنگد؟ تا این که مردی از انصار به نام اوس پسر ثابت که دو دختر و پسری کوچک داشت، فوت کرد. پسرکاکایش به نام خالد و عرفطه، به عنوان عصبه، تمام اموال او را بردند. ام کحله یا کحه، همسر اوس، خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و ماجرا را تعریف کرد. فرمود: نمی دانم، چه بگویم. که سرانجام این آیت مبارکه نازل شد.

تفسیر:

«لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ»: برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جای می گذارند سهمی است، و همه آنها در اصل وراثت شریک و یکسانند، هر چند که در میزان و مقدار آن متفاوت اند.

یعنی: از تمام آنچه که متوفی برجای می گذارد، برای مردان و زنان نزدیک به وی که ارث بر هستند، سهم و بهره ای است، هر چند مال متروکه جز برای استفاده مردان صلاحیت نداشته باشد؛ مثلاً سلاح جنگی باشد، یا این که فقط برای استفاده زنان صلاحیت داشته باشد، چون زیورات «که به عنوان سهمی معین و مقرر گردیده است» یعنی: این حقی است ثابت که خداوند متعال آن را فرض ساخته و دست بردن در آن باهدف از بین بردن، یا کاستن از آن جایز نیست.

«مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ»: یعنی «ترکه» زیاد باشد یا کم تفاوتی ندارد.

«نَصِيبًا مَفْرُوضًا (۷)»: «و این سهم (از سوی خدا) تعیین شده است.

باید یادآور شد که قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم رسم بود، که عرب در زمان جاهلیت از روی سرکشی و سنگدلی، به ناتوانانی از قبیل زنان و کودکان ارث نمی دادند و ترکه و ارث را فقط به مردان قوی و نیرومند تقسیم می کردند، چون به گمان آنها مردان اهل جنگ و پیکار و گرفتن مال مردم بودند.

پس پروردگار مهربان و با حکمت قانونی برای بندگانش پایه ریزی کرد که در آن زنان و مردان نیرومند و ناتوان برابرند، و پیش از وضع این قانون مطالبی را به صورت خلاصه ارائه داد تا این مسأله در درون مردم جای بگیرد. سپس قضیه را به صورت مفصل آورد و همه مشتاقانه به آن روی آوردند، و وحشت و تعجبی که منشای آن عادت های زشت جاهلی بود از آنان دور شد.

پنج دستور حقوقی:

در این آیت مبارکه پنج دستور حقوقی با اعجاز خاصی چنین بیان یافته است:

اول: این که میراث تنها حق مردان نیست، بلکه زنان نیز در آن حق دارند. یعنی این که: زنان همانند مردان حق ارث دارند و دین، حافظ حقوق آنان است.

دوم: این که میراث به هر حال باید تقسیم شود، هر چند کم باشد. تقسیم عادلانه میراث، مهم است، نه مقدار آن، به طور مثال اگر میت حتی یک متر تکه هم از خود به جای گذاشته باشد و ده ورثه داشته باشد همان یک متر تکه باید به ده نفر ورثه تکه و تقسیم شود. این مسأله دیگری است که یکی از وارثان بخواهد سهام وارثان دیگر را بخرد.

سوم: این که از این آیت این مطلب نیز واضح می شود که قانون وراثت هر نوع اموالی را چه منقول باشند یا غیر منقول، زراعتی باشند یا صنعتی و یا هر نوع مال دیگری را نیز شامل می گردد.

چهارم: مسأله حق میراث زمانی به وجود می آید که میت از خودش مالی به جای گذاشته باشد.

پنجم: این که این قاعده نیز از این آیت روشن می گردد که در صورت زنده بودن خویشاوندان نزدیک تر خویشاوندان دورتر ارث نمی برند. یعنی خویشاوندی که نزدیکتر است، در ارث مقدمتر میباشند.

ادامه دارد